

## این دستور جامعه را شوکه کرد!

دولت‌هایی موفق هستند که با دو اصل برنامه‌ریزی علمی معین و اجرایی، برنامه‌هایشان را مدیریت کنند و نقدهای مراکز علمی را بشنوند و جدی بگیرند!

به گزارش سایت خبری پرسون، ابوالقاسم قاسمزاده در یادداشتی نوشت: انتشار خبری دستوری حذف (بازنشستگی) برخی از استادان دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، شوک اجتماعی این روزها شده است. در آستانه شروع سال تحصیلی دانشگاه‌ها، دانشجویان از دریافت چنین تصمیم‌گیری و پیامدهای آن تعجب کرده‌اند!

مسئولان وزارت علوم و آموزش عالی نیز از این اقدام ابتداء اظهار بی‌اطلاعی کردند، طرفه آنکه این خبر و تصمیم‌گیری درباره آن را، ابتدا وزارت کشور اعلان کرد و رسمیت داد!

ذهنیت اجتماعی جامعه چنین است که مراکز علمی و آموزشی، اعم از دانشگاه‌ها و مدارس عالی و آموزش و پرورش، خانه امن آموختن هستند تا نسل‌های آینده نه تنها به لحاظ اندیشه‌ای پرورش یابند، که سکاندار آینده‌ای بهتر از گذشته شوند.

این اصل را همه جامعه‌شناسان و استادان علوم انسانی باور دارند که ساحت اندیشه تحکم‌پذیر نیست و اساساً اندیشمندسازی از مسیر نقد علمی اندیشه‌ها و نوسازی آن به دست می‌آید.

برهمنی بنیاد، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه مرحله به مرحله از گذر تاریخی آموزش‌ها، رشد و بالندگی می‌یابند. به همین دلیل است که تشکیل کادر علمی، فرهنگی و اندیشه‌ای هر کشوری «خلق‌الساعه» نیست؛ سال‌های، سال دانش‌اندوزی و ممارست اندیشه‌ای و تجربه‌نیاز است تا فردی استاد یا استادیار در دانشگاه‌ها شود و یا در حوزه‌های علمیه به جایگاه آیت‌الله و مدرس برسد.

از سوی دیگر دولت‌هایی موفق هستند که با دو اصل برنامه‌ریزی علمی معین و اجرایی، برنامه‌هایشان را مدیریت کنند و نقدهای مراکز علمی را بشنوند و جدی بگیرند!

در تاریخ دستگاه «عدلیه» قضا و قضاوت (محاکم قضایی) نیز چنین سنت دیرینه همواره رایج بوده است. قاضی صاحب محکمه که کرسی قضاوت را براساس دو اصل قانون (دانش حقوقی) و تشخیص «عدالت» به عهده می‌گیرد، قاضی نشسته می‌نامند که صاحب «محکمه قضا» است و هیچگاه با امریه (دستوری)، برکنار و عزل نمی‌شود؛ مگر آنکه صدور احکامش، دال بر ساقط شدن او از «عدالت» شود. چنین سنتی در شاکله دستگاه قضایی از صدر مشروطه تا امروز رایج بوده است که قاضی نشسته و صاحب محکمه (اصطلاح حقوقی در تاریخ دستگاه قضا و قضاوت) را نمی‌توان با «امریه» برکنار کرد.

دانشگاه، خانه تاریخی حیات علمی هر کشوری است و نه مجموعه تشکل امنیتی - نظامی. نوبه نوشدن این خانه، فقط از سیر تاریخی اندیشه‌ورزی و رشد و ارتقاء تفکر تحقق می‌یابد. دانشگاه‌ها و همه مراکز علمی و حوزه‌های علمیه، خانه امن اندیشه‌ورزی و نقد و نظریه‌پردازی هستند و سال‌های سال آموختن و ممارست علمی و تخصصی نیاز است تا فردی صاحب عنوان «استاد» شود. کلمه‌های استاد یا آیت‌... در تاریخ اندیشه ایران، واژگان مفهومی و ارزشی هستند که با احکام دستوری زوال نمی‌یابند.

تاریخ ۹۰ ساله دانشگاه تهران که آن را «دانشگاه مادر» می‌نامند، در چرخه علم و اندیشه پروری مفهومی تاریخی دارد. در این تاریخ، استادانی همچون علی اکبر دهخدا، جلال‌الدین همایی، فاضل‌تونی، راشد، عصار، حکیم‌اللهی قمش‌ای، فروزانفر، سعید نفیسی، دکتر معین، زریاب خوبی، لطف علی صورتگر، دکتر آربین پور، شهید مطهری، مهندس مهدی بازرگان، دکتر سبحانی، شفیعی کدکنی و... همگی نه تنها در روال اداری سنوات خدمتی، ارزیابی و دیده نشدند، بلکه در روال سنوات خدمت اداری با احکام دستوری، آن هم فوری و یکباره بازنشسته نشدند و همه عمر پربرت علمی‌شان، صاحب کرسی استادی بودند. در حوزه‌های علمیه نیز چنین سنت اندیشه‌ای رایج است. آیا تاکنون شنیده‌اید که آیت‌الله العظمی را بازنشسته کرده باشند!

اکنون که خبر احکام اداری بازنشستگی برخی از استادان دانشگاه‌ها و مراکز علمی شوک خبری شده است، آن هم در دایره بسته «امنیتی - سیاسی» و به بهانه «جوان‌گرایی!» درباره خسارت‌های ملی و اندیشه‌ای چنین اقدامی بسیار می‌توان نوشت.

«محک» امروز شاید بازتاب هشدار جدی از سوی دلسوزان برای کیان علمی و ملی میهن باشد!